

پایداری فضاهای باز عمومی در بازآفرینی سکونتگاه‌های غیر رسمی مبتنی بر اولویت‌های ساکنین (مطالعه موردی: محله خط چهار حصار، شهر کرج)

نگین امیری^۱، محمدسعید ایزدی^{۱*}، سید محمد رضازاده^۲

۱. گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران

۲. گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی تهران، کارشناس رسمی ناظر پروژه‌های عمرانی شرکت،

بازآفرینی شهری ایران، وزارت راه و شهرسازی، تهران، ایران

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸)

چکیده

در سال‌های اخیر توجه به سکونتگاه‌های غیر رسمی و معکوس کردن چرخه زوالی که طی می‌کنند، به موضوعی جدی و محوری بدل شده و سازمان‌ها و جوامع علمی را به تکاپو در راستای بازآفرینی و ساماندهی این بافت‌های شهری سوق داده است. در رویکرد حاضر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است چرا که تنزل شاخص‌های کیفیت فضاهای عمومی یکی از بزرگترین معضلاتی است که بافت‌های مذکور با آن دست به گریبان هستند. پژوهش حاضر به روش پیمایشی از نوع توصیفی-تحلیلی با بررسی مبانی نظری موجود در زمینه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی و کیفیت محیطی، مدلی نظری متشکل از شاخص‌ها و معیارهای دستیابی به فضاهای باز عمومی با کیفیت در این محلات ارائه داده و معیارهای مورد نظر، مبانی تنظیم پرسشنامه‌ها قرار گرفته است. نمونه‌های پژوهش بر مبنای سطح رضایت ۳۶۸ نفر از کاربران محله خط چهار حصار کرج از کیفیت فضاهای عمومی آن مورد سنجش واقع شده است. نتایج حاکی از وجود رابطه معناداری بین معیارها و شاخص‌های واقع در مدل سنجش فضاهای باز عمومی با متغیرهای وابسته کیفیت محیطی است ($p_value < 0/05$). نتیجه بررسی‌های آماری SPSS بیانگر این است که سطح کیفیت محیطی فضاهای باز عمومی محله سطح پایین است و با توجه تحلیل‌های آماری، ارتقاء سطح کیفیت کاربری و فعالیت، دسترسی، راحتی و اجتماع‌پذیری و در نهایت منظر، باید به ترتیب اولویت در دستور کار مدیریت شهری کرج جهت ساماندهی فضاهای باز عمومی محله قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پایداری محیطی، خط چهار حصار، سکونتگاه غیر رسمی، فضای باز عمومی، کرج.

Public Open Spaces Sustainability in Informal Settlements Toward Urban Regeneration on the Basis of Inhabits Preferences (Case study: Hesar Neighborhood, Karaj city)

Amiri¹, N., Izadi^{1*}, M. S., Rezazadeh², S. M.,

1. Urban Design Department, Bu Ali Sina University of Hamadan, Iran

2. Human Geography and Spatial Planning Department, Shahid Beheshti University of Tehran, Supervision formal Expert of Civil Projects of Urban Regeneration corporation of Iran, Ministry of Roads and Urban Development.

Received: 09/07/2021 Accepted: 19/11/2021

Abstract

Recently, the attention to the informal settlements and convert the decline cycle which covers is changed to a serious and central subject, organizations and scientific communities are led to struggle along the regeneration and organization of these urban texture. In the present approach, public spaces quality upgrading of these neighbors have a special position because the indexes reduction is one of the biggest dilemma. The present writing offers a theoretical model composed of the indexes and criteria to obtain the public open spaces with the quality in these neighbors, and with the survey method and analytic-descriptive type to investigate exiting theoretical bases about the public open spaces in the informal settlements and environmental quality. Among these considered criteria were based on the questionnaire adjustment and the case study was analyzed by satisfaction level of 368 individuals, ranging from habitats of the neighborhood to users of the assessed. The results illustrate a significant relation between the criteria and the indexes in the public open spaces measurement with the variables dependent on the environmental quality ($<0/05-p$). The results of the statistics investigations which were done by using SPSS they show that the public open spaces of considered neighbor suffer from the environmental quality low level, with respect to the obtained figures which resulted in the statistics analyses, user and activity quality level upgrading, access, convenient and socialization, and at last image should be the preference order, and they put it in the Karaj urban management agenda and Hesar neighbor public open spaces organization.

Keywords: Environmental Sustainability, Hesar Neighborhood, Informal settlement, Public Open Space, Karaj.

مقدمه

غیر رسمیت شهری مفهومی چند بعدی و میان رشته‌ای است که همچنان در روش‌ها و رویکردهای دهه‌های گذشته قابل تعریف نیست، چرا که بیش از آنکه بر مفاهیم همچون مرز و قلمرو جغرافیایی تأکید داشته باشد، دلالت بر عملکردی شهری و زندگی روزمره بخشی از ساکنان شهرهای بزرگ در محلاتی با ویژگی‌های متفاوت دارد (Kamalipour and Peimani, 2020b). این محلات جزئی از سیستم بزرگ شهر هستند و هرگونه تحرک و عملکرد این جزء بر کلیت شهر و محیط آن اثر می‌گذارد. بی توجهی و عدم برنامه‌ریزی برای آنها با توجه به کل مجموعه شهر می‌تواند آسیب‌ها و مشکلات فراوانی را متوجه همگان سازد (سرور و روستا، ۱۳۹۳). معضلات و محدودیت‌هایی همچون ساختار کالبدی ناپایدار، فقدان خدمات مورد نیاز مسکونی، پایین بودن سرانه‌های فراغتی و فرهنگی، آلودگی‌های زیست محیطی، پایین بودن نفوذپذیری بافت این محلات، کمبود و یا فقدان فضاهای باز عمومی جهت شکل‌گیری روابط اجتماعی صحیح از جمله مسائل متعددی است که ساکنان این مناطق با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مجموعه عوامل ذکر شده به همراه پیامدهایی که می‌توانند به بدنه شهر آسیب وارد آورند، اهمیت توجه به بافت‌های شهری مذکور را روشن ساخته و مجامع علمی و سازمان‌های ذیربط را به سوی اتخاذ راهبردها و مداخله سازنده سوق داده است. بازآفرینی شهری را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین رویکرد مرمت و بهسازی و نوسازی شهری در دوران معاصر تلقی نمود که به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی مناطق محروم و در حال اضمحلال در شهرهاست (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۹). موضوع بازآفرینی ارتباط مستقیم با عرصه و قلمروی عمومی دارد (فیضی و اسد پور، ۱۳۹۳). همچنین سرمایه‌گذاری در فضاهای عمومی و خیابان‌ها به عنوان یک استراتژی محوری در بازآفرینی محلات کم درآمد و غیر رسمی شناخته می‌شود (Garcia-Villalba, 2014). براساس مطالعات صورت گرفته، ازدحام و تراکم جمعیتی بالا و همچنین مقیاس کوچک واحدهای مسکونی به‌طور

خاص در محلات کم درآمد و سکونتگاه‌های غیر رسمی سبب بالا رفتن استرس و تنش در میان ساکنان این مناطق می‌شود و اگر فضاهای عمومی شهر، ناکافی و خصوصی شده و یا بی کیفیت باشند، شهرها دو قطبی و گسسته می‌شوند (PPS and UN-HABITAT, 2012). به همین دلیل فضاهای عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی تأثیر بسزایی بر کیفیت زندگی اهالی این محلات خواهند داشت. خیابان‌ها و فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی می‌توانند مکان‌هایی با هویت و قابل زندگی برای مردم مهیا سازند و فرصت‌های متعددی را برای تبادلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در زندگی روزمره‌شان فراهم آورد و در کنار آن نقش محوری را در ساختار شهر و الگوهای مدنی آن ایفا کنند (Garcia-Villalba, 2014). فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف در آن سهیم و محلی برای تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی صحیح هستند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۹). به بیان تانرفیلد و جانگ، فقدان و پایین بودن کیفیت این فضاها یکی از بزرگترین مشکلات محلات فقیر نشین شهری است (Tannerfeldt and Ljung, 2006). لذا ارتقاء پایداری این فضاها از اولویت‌های مداخله بازآفرینی شهری به شمار می‌آید. اما در میان انواع فضاهای عمومی، فضاهای باز عمومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که ریشه جامعه مدنی در فضاهای باز عمومی یعنی در میدان، خیابان، بازار، پارک، پیاده رو و غیره نهفته است و این فضاها در همه وقت بیشترین امکانات بالفعل و بالقوه را برای حضور شهروندان دارند. فضای باز عمومی فضای منقطع است که خود را به راحتی با گوناگونی رفتارها تطبیق می‌دهد و زمینه‌ای خنثی ولی القاء کننده را برای حضور شهروندان دارا می‌باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵). در همین راستا ارتقاء کیفیت این دسته از فضاها در محلات هدف بازآفرینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به این دلیل که اگر کیفیت فضاهای باز عمومی در محلات مسکونی شهر از جمله سکونتگاه‌های غیر رسمی تأمین نشود، رفاه اهالی سلب شده و به ناچار باید جهت تأمین نیازهای اجتماعی-اقتصادی خود به دیگر محلات شهر

عمومی موجود در بافت از سطح کیفیت پایینی برخوردار است و با وجود ناکارآمدی شرایط محیطی، زندگی روزمره در خیابان‌ها و فضاهای عمومی محله جاری است. لذا پس از تعیین سطح کیفیت فضاها و اولویت‌های اقدامات لازم جهت بهبود وضعیت آنها از دیدگاه اهالی، در پایان پیشنهادهای به منظور ساماندهی وضع موجود و ارتقاء پایداری فضاهای باز عمومی محله ارائه شده است.

مبانی نظری و پیشینه

در سال‌های اخیر فضاهای عمومی که تمرکز اصلی پژوهش حاضر هستند، بخش قابل توجهی از ادبیات شهرسازی در حوزه سکونتگاه‌های غیر رسمی را به خود اختصاص داده‌اند و موضوع بهره‌برداری از این فضاها و بازآفرینی محلات مذکور از طریق این ابزارهای کارآمد به نحو چشمگیری مورد توجه محافل علمی و حرفه‌ای قرار گرفته است. مطالعه مورفولوژیکی و عملکردی فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی در دانشگاه کاردیف انگلستان (Kamalipour and Peimani, 2020a) یکی از تلاش‌های اخیر با هدف ایجاد ارتباط میان رشته‌ای در طراحی شهری، جغرافیا و جامعه‌شناسی در زمینه توسعه غیر رسمی شهر بوده است. تلاشی که در راستای تبیین نقش و اهمیت این فضاها در ساختار اجتماعی-کالبدی و اقتصادی محلات غیر رسمی بوگوتای کلمبیا در قالب یک طرح پژوهشی با عنوان "فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی" (H-Garcia, 2010) در دانشگاه نیوکاسل انگلستان انجام شده، یکی از مهم‌ترین دست آوردها در این زمینه است. همچنین یکی از تلاش‌هایی که از جانب هیئات سازمان ملل به منظور جریان سازی بهره‌برداری از خیابان‌ها به عنوان مهم‌ترین فضاهای عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی انجام شده، انتشار سند "خیابان‌ها ابزاری در تحول زاغه‌ها" (U-Nhabitat, 2014) است، که در این سند، نویسندگان با ارائه نمونه‌های موفق اجرائی بر بهره‌برداری هر چه بیشتر از این فضاها به منظور بازآفرینی محلات و لزوم مردم-محور بودن این اقدامات تأکید کرده‌اند. همچنین در حوزه

روی ببرند. لذا برنامه‌ریزان شهری باید ارتقاء کیفیت فضاهای باز عمومی محلات غیر رسمی را در دستور کار قرار داده و با توجه به هدف عالی ارتقاء کیفیت محیط یعنی پاسخگویی به نیاز کاربران فضاها، اولویت‌های مداخله را از دیدگاه آنان شناسایی نموده و در برنامه-ریزی‌ها دخیل کنند، چرا که مردم محلی بهترین اطلاعات را در ارتباط با دارایی‌ها و مشکلات از هر فضای خاص دارند (PPS and UN-HABITAT, 2012). در راستای مباحث ذکر شده، پرسش‌های تحقیق حاضر بدین صورت مطرح می‌شوند؛ (۱) فضاهای باز عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی چگونه فضاهایی هستند؟ (۲) جهت ارتقاء سطح کیفیت این دسته از فضاها چه شاخص و معیارهایی را باید در نظر داشت؟ (۳) اولویت-بندی این گزینه‌ها برای ساماندهی فضاهای باز عمومی محله خط چهار حصار از دیدگاه کاربران آنها چگونه است؟ مطالعه پیش رو پس از بازخوانی مبانی نظری و شناخت الگوهای متعارف رفتاری در بستر فضاهای عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی و استخراج شاخص-های برتر پایداری فضاهای عمومی، مدلی ساده را برای سنجش کیفیت این فضاها در سکونتگاه‌های غیر رسمی پیشنهاد داده و سپس به عنوان نمونه‌ای عملیاتی، از دیدگاه کاربران به سنجش فضاهای باز عمومی محله خط چهار حصار کرج پرداخته است. محله هدف پژوهش یکی از محلات غیر رسمی شهر کرج است که در حاشیه شرقی آن واقع شده و با معضلات و مشکلات کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی مواجه است. محله دارای بافتی بسیار پراکنده و بی برنامه است و وجود اراضی بایر متعدد فرصت‌های متعددی را جهت گسترش اسکان غیر رسمی در آن فراهم آورده است. محله حصار بالا به چند دلیل برای انجام پژوهش انتخاب شده است: یکی اینکه این محله به دلیل موقعیت قرارگیری در شهر و حاد بودن شرایط فضایی-عملکردی از دیدگاه مدیریت عالی (شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران) و مدیریت میانی (شهرداری کرج) در اولویت‌های برنامه ساماندهی محلات غیر رسمی شهر قرار دارد؛ دوم اینکه محله دارای فرصت‌های کالبدی متعددی جهت گسترش فضاهای عمومی است؛ همچنین فضاهای باز

پیوند اجتماع به شمار می‌روند. نوع و کیفیت و اجتماع پذیری فضاهای عمومی می‌تواند در شکل‌گیری تعاملات سازنده اجتماعی و مشارکت و تشکیل و سازماندهی سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا نمایند (Carmona, 2019). این فضاها نقش مهمی را با توجه به مسائل زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در توسعه شهر و سیاست‌های بازآفرینی ایفا می‌نماید و به نظر می‌رسد، می‌توان "فضای عمومی" را عنصری دانست که توانایی ارتقاء، تداوم و نظم سرزمینی را داراست و همچنین واجد توان طبیعی برای ایجاد و حفظ مرکزیت محلی، کیفیت محیطی، رقابت‌های اقتصادی و شهروندی است (Borj, 2003). اما در میان انواع فضاهای بسته و باز عمومی، فضاهای باز عمومی، دارای اهمیت ویژه‌ای از دیدگاه حیات جمعی شهروندان هستند. در حالی که فضاهای بسته عمومی دارای انضباط یا محدودیت‌های خاصی به لحاظ زمانی و اندازه و ... برای شهروندان می‌باشند (پاکزاد، ۱۳۸۵). فضاهای باز عمومی آن دسته از فضاهایی هستند که دسترسی به آنها برای عموم مردم آزاد است (Jacob, 1961; Madanipour, 1999) مانند خرده فروشی‌ها، بازارها، پارک‌ها، خیابان‌ها و پاده‌روها. اما این فضاها زمانی موفق تلقی می‌شوند که روابط اجتماعی تولید کنند (Danisworo, 1989; Gel, 2002)، بازدیدکنندگان بسیاری را برای انجام فعالیت هاشان به خود جذب کنند (Danisworo, 1989; Whyte, 1985)، دموکراتیک باشند، نه تبعیض آمیز (Car et al., 1992) برای همه رده‌ها و سنین، مردم ناتوان و بخش غیر رسمی قابل دسترس باشند (Gehl, 2002; CABE and DETR, 2001). به عقیده هو، فضاهای باز شهری وسیله فراهم کردن آسایش مردم در مناطق متراکم شهری و همچنین سازمان‌دهنده زندگی روزمره آنها هستند (Hou, 2010). این دسته از فضاها به واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند. از این رو ارتقاء کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد (پاکزاد، ۱۳۸۵).

آکادمیک تا به حال طیف وسیعی از پژوهش‌ها از قبیل "نقش استراتژی‌های خیابان مدار در احیاء مناطق غیر رسمی و کم درآمد" (Garcia-Villalba, 2014) و "سکونتگاه‌های غیر رسمی و مکان‌سازی" (Baza and H-Garcia, 2014) به منظور ترویج رویکرد مکان‌سازی و ارتقاء کیفیت محیط در فضاهای باز عمومی و احیاء محلات غیر رسمی، انجام شده است. اما آخرین فعالیت در حوزه بین‌الملل، اقدامی نوآورانه به نام "آینده مکان-ها" است. آینده مکان‌ها مجمعی با مشارکت چند سازمان و همکاری هیئت‌اتحاد ملل متحد، بنیاد جانسون و گروه پروژه فضاهای عمومی تشکیل شده است. هدف از برپایی این مجمع تشکیل تریبونی به منظور بحث و گفتگو در خصوص اهمیت فضاهای عمومی و همچنین تأثیری است که این فضاها می‌توانند در دستور کار طراحی شده قرن بیست و یکم داشته باشند (PPS and UN-HABITAT, 2012).

بازآفرینی شهری و فضاهای عمومی

بازآفرینی شهری را می‌توان راهکاری برای دستیابی به نتایج مطلوب در توسعه شهری مانند استفاده مفیدتر از مناطق شهری با دسترسی به زیرساخت‌ها، مشاغل و خدمات مناسب، اجتناب از سوداگری املاک استفاده نشده، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و مکانی، دسترسی به فضاهای عمومی پایدار و ایجاد ارزش‌های افزوده شهری دانست (Martin and Santos, 2019). این رویکرد همانند ریشه‌های فکری خود از جمله باغشهر هاوارد موضوعی فراتر از توسعه اقتصادی و یا نوسازی کالبدی است (Houston, 2015). ارتقاء کیفیت محیط زندگی و توسعه مکان‌های پایدار از مهم‌ترین سیاست‌های این رویکرد است (Zhou, 2014). موضوع بازآفرینی شهری ارتباط مستقیمی با عرصه و قلمرو عمومی دارد. قلمرو فضای عمومی دارای ابعاد فیزیکی و اجتماعی است و به فضایی بر می‌گردد که به شکل عمومی یا شخصی تملک شده، جریان زندگی عمومی و تعامل اجتماعی را آسان و آن را تأمین می‌کنند (Rahbarianyazd, 2020). عرصه عمومی صحنه‌هایی هستند که زندگی شهروندی در آنها در معرض دید عموم قرار می‌گیرد و بستر مشترکی برای فعالیت‌ها و

فضاهای عمومی و کیفیت‌های محیطی

به‌طور کلی کیفیت، چگونگی یک پدیده است که تاثیر عقلانی- عاطفی خاصی بر انسان می‌گذارد (رفعیان و خدایی، ۱۳۸۸). کیفیت یک شیء مجموعه‌ای از خصوصیات است که باعث متمایز کردن یک شیء از اشیاء دیگر شده و ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیز دیگر قضاوت نماییم (جوهری و رنجبر، ۱۳۸۹). اما کیفیت محیط از برآیند کیفیت اجزای تشکیل شده یک ناحیه معین حاصل می‌شود و بیشتر بر جمع اجزای سازنده

مکان، دلالت دارد. اجزای سازنده شامل: طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط انسان ساخت، تسهیلات محیط کالبدی و ذخایر طبیعی است که هر یک، مشخصات و کیفیات خاص خود را دارند (Van Kamp and et al, 2003). در واقع، کیفیت یک فضا در شهر از برآیند مولفه‌هایی حاصل می‌شود که با شناسایی کارکردها و تاثیرات مناسب هر یک از آنها بر فضا، می‌توان راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضای شهری، ارائه داد (علی پور و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول ۱: عوامل تشکیل دهنده فضاهای عمومی موفق از دیدگاه نظریه پردازان شهری

ای‌یان بنتلی و همکارانش در کتاب «محیط‌های پاسخده»، ۱۳۸۲

نفوذپذیری

گوناگونی

خوانایی

غنای حسی

انعطاف‌پذیری

تناسبات بصری

رنگ تعلق

جان پانتر و متیو کارمونا در کتاب «ابعاد طراحانه برنامه‌ریزی شهری»، 1997, Punter and Carmona

کیفیت منظر شهر

کیفیت محیط زیست

کیفیت فرم شهر

کیفیت فرم ساختمان

کیفیت محیط زیست

کیفیت عرصه همگانی

متیو کارمونا در کتاب «مکان‌های عمومی- فضاهای شهری» 2003, Carmona, Heath and Tiesdell

دسترسی

ایمنی و امنیت

اختلاط و تراکم

سخت فضا و نرم فضا

منظرشهر

فضای همگانی

همه شمول بودن

الن جیکوبز و دونالد اپلیارد، ۱۹۶۷ به نقل از گلکار، ۱۳۸۰

هویت و کنترل

سرزندگی

اصالت و معنا

دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی‌ها

زندگی اجتماعی و همگانی

خوداتکایی شهری

توسعه پایدار محیط جغرافیایی

پروژه‌هایی برای فضای عمومی معرفی شده است (Madden and Schwartz, 2000). شکل ۱ چهار جزء اساسی یک فضای عمومی با کیفیت را نشان می‌دهد.

در حالی که تعداد قابل توجهی از مقالات در ارتباط با اصول طراحی فضاهای با کیفیت برای علاقمندان در دسترس است، چهار مضمون غالب براساس مطالعه روی بیش از هزار فضای عمومی شهری توسط گروه



شکل ۱: چهار جزء یک فضای شهری موفق

ماخذ: (Madden and Schwartz, 2000)

املاک هستند (Hernandez Bonilla, 2001; Niño and Chaparro, 1997; Segovia and Oviedo, 2000; Viviescas, 1996, Cited in H-Garcia, 2012). این قبیل فضاها به راحتی قابل جایگیری در انواع دسته-بندی ادبیات موجود در باب فضاهای باز عمومی نیستند. فضاهای باز سکونتگاه‌های غیر رسمی به طور هم زمان هم فضاهایی معمولی و هم فضاهایی منحصر به فرد می‌باشند. به عقیده هراندز گارسیا این فضاها عادی هستند، چرا که در سکونتگاه‌هایی معمولی و به دور از محدودیت‌های دیکته فرم ساخته می‌شوند و در ادامه به مکانی برای نمایش معانی جدید و اهداف افراد و گروه-هایی خاص بدل می‌شوند که فضا را برای خود مناسب سازی کرده‌اند و در نتیجه همین روش تولید و استفاده، این فضاها منحصر به فرد نیز می‌باشند (H-Garcia, 2010). فضای باز عمومی اصلی در این سکونتگاه‌ها، خیابان و پیاده رو است. به عقیده ناینو و چاپارو "خیابان‌ها، واحد پایه فضاهای باز عمومی در سکونتگاه-های غیر رسمی‌اند که جهت فعالیت‌های اقتصادی و ارتباطی به کار گرفته می‌شوند و بیشتر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق آنها با هم پیوند می‌خورند" (H-Garcia, 2012). مهم‌ترین فضای باز نیز در

فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی به طور معمول در سکونتگاه‌های غیر رسمی اگر خیابان، پارک و میدانی وجود داشته باشد، فضاهایی آشفته و پر هرج و مرج، فاقد برنامه‌ریزی و نگهداری هستند (PPS&UN-HABITAT, 2012) اما براساس مطالعات انجام شده نقش فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی از همان مراحل اولیه شکل‌گیری سکونتگاه-ها، نقش قابل توجهی است و مسئله محل استقرار خیابان‌ها، پارک‌ها و تسهیلات احتمالی، موضوعی است که از زمان اولین نقل مکان‌ها به محل، ذهن مهاجران را به خود مشغول کرده است. با این حال، بهبود واقعی این مناطق (فضاهای باز) پس از سازماندهی خدمات عمومی اولیه و استقرار اولیه خانه‌ها صورت می‌گیرد (H-Garcia, 2010). این فضاها نقش مهمی در پویایی فیزیکی و اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی ایفا می‌کنند و مانند خانه‌ها به طور گسترده توسط مردم محلی توسعه می‌یابند (H-Garcia, 2013). اگر چه که در مقایسه با مطالعات نظری موجود در ارتباط با مسکن این محلات کمتر توجهی به ادبیات فضاهای باز آنها صورت گرفته است، اما فضاهای باز مهم‌ترین مکان‌های اجتماعی در سکونتگاه‌های غیر رسمی و همچنین مکان‌هایی برای تبادلات فرهنگی و تاثیرگذار بر ارزش

جشن‌ها، مراسم مذهبی، خوردن و نوشیدن مردم با یکدیگر، فعالیت‌های روزمره، بازی‌ها و مراسم سنتی. ترسیم تصاویر مذهبی و اعتقادی بر نمای خانه‌ها از آن جمله‌اند. ساختار عملکردی این فضاها همچنین نمایانگر ویژگی‌های جالب توجهی است، کودکان از سال‌های آغازین عمر عرصه مقابل خانه را به عنوان مکانی برای خود می‌شناسند و با وجودی که به مرور زمان گونه بازی‌های آنها تغییر می‌کند، اما آن فضای باز همچنان به عنوان یک مکان خاص اشاره به معنادر بودن و هویت‌مندی برای آنها باقی می‌ماند. مسلماً بازی نیز سبب شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی در سکونتگاه‌های غیر رسمی می‌شود و به وسیله آن اهالی با دیگران و با محیط فیزیکی ارتباط برقرار می‌کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های فضاهای باز، وجود فعالیت‌های تجاری است که مانند بازی کردن این فعالیت را نیز می‌توان به عنوان تجلی روابط اجتماعی نگریست که بارزترین نمود آن فروشگاه‌های محله‌ای هستند (H-Garcia, 2013). با این مرور، می‌توان بر این مهم تأکید کرد که وظیفه برنامه‌ریزان و طراحان شهری این است که در راستای بهسازی این فضاها، راه‌حلی را توسعه دهند که فعالیت‌های مطلوب جاری در آنها در شرایطی واجد کیفیت، تداوم یابند. فعالیت‌های رایج در فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی، متمایز از فعالیت‌های قابل مشاهده در این فضاها در نقاط دیگر شهرهاست (جدول ۲).

سکونتگاه‌ها، پارک محلی است که فعالیت‌های میدان‌های کلنی‌های قدیمی را از قبیل: پرسه‌زنی، ملاقات با مردم و استراحت در کنار دیگر فعالیت‌ها از قبیل فوتبال بازی را در خود جای می‌دهد. این پارک‌ها اغلب دارای وجه اشتراک با زمین ورزشی و بازی بچه‌ها هستند تا فضاهای سبزی یا سنگفرش شده‌ای که برای استراحت استفاده می‌شوند. فعالیت‌های خاص گذران اوقات فراغت که در این فضاها جای می‌گیرد، آنها را از دیگر فضاهای باز شهری متمایز می‌کند (Beardsley and Werthmann, 2008). برخی از این فضاها نیز به واسطه استقرار نهادهای اجتماعی از قبیل کلیسا، خانه محله، درمانگاه و مدرسه در پیرامون خود دارای اهمیت هستند (H-Garcia, 2012). در واقع این قبیل فضاها دارای ابعادی متفاوت از فضاهای باز عمومی دیگر نقاط شهر و دارای ویژگی‌های ذاتی خاص خود هستند. در این محلات پلازایی یافت نمی‌شود، به جای آن محوطه‌هایی برای فعالیت‌های فراغتی و ورزشی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را در خود جای می‌دهند. فضاهای باز پارک‌ها و خیابان‌هایی از نوعی متفاوت‌اند و مانند دیگر خیابان‌های شهر مکان‌هایی نیستند که مردم و ماشین‌ها از یک مکان به مکانی دیگر حرکت کنند، بلکه مهم‌ترین عرصه اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی و مهم‌ترین فضای بازی کودکان‌اند. این فضاها طیف وسیعی از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را به خود اختصاص می‌دهند که کمتر می‌توان در دیگر نقاط شهر آنها را مشاهده کرد:

جدول ۲: فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در فضاهای باز عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی

-بازی کردن های خیابانی کودکان به مراتب
-حضور و تجمع زنان و سالمندان در درب خانه‌ها در ساعات مختلف روز و استقرار مبلمان موقت در فضا
-حضور پر رنگ دست فروش‌ها در این فضاها به عنوان الگوی اقتصادی جاری
-سر ریز فعالیت مغازه‌ها در پیاده‌روها
-پاتوق کردن مردان و پسران جوان در خیابان‌ها و پیاده‌روها در مجاورت بناهای شاخص عملکردی (مکان‌های مذهبی، فروشگاه‌های محلی، کافی نت‌ها و ...)
-نقش پر رنگ بر پا شدن مناسک و مراسم در فضاها (جشن‌ها، عزاداری‌ها، بازی‌های گروهی و سنتی)
-تجمع نوجوانان و جوانان در زمین‌های بازی و فضاهای سبز شبه پارک
-ملاقات و صحبت با دوستان، همسایه‌ها
-قدم زدن و منتظر ماندن، نشستن و ایستادن در فضاها با دوستان
-پارک کردن و تجمع خودروها در خیابان‌ها
-نصب کردن تصاویر و علائم مذهبی، گلدان و ... بر جداره ساختمان‌ها و درب خانه‌ها

مأخذ: برگرفته از: H-Garcia, 2010; U-Nhabitat, 2013

بدین ترتیب با عطف به مطالب ذکر شده در خصوص کیفیت‌های موثر بر فضاهای عمومی و ویژگی‌های عام فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی و همچنین تطبیق این عوامل با یکدیگر، می‌توان مدل سنجش فضای باز عمومی پایدار در سکونتگاه‌های غیر رسمی را در قالب جدول ۳ ارائه داد.

جدول ۳: مدل سنجش کیفیت فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی

شاخص	مفهوم	معیار
دسترسی	دسترسی بصری: توانایی فرد در مشاهده محیط از درون گذرها، دسترسی فیزیکی: قدرت فرد در حرکت درون محیط (کارمونا و دیگران، ۱۳۸۸)	دسترسی فیزیکی (امکان حرکت و قدم زدن در فضاها، امکان ورود و خروج به فضاها، دسترسی به حمل و نقل عمومی، امکان حمل و نقل کالا به واسطه عواملی از قبیل شیب/موقعیت و ...، پیوستگی و اتصال فضاها) دسترسی بصری (امکان مشاهده فضاها و نبود موانع جهت دیدن آنها، امکان رویارویی افراد)
فعالیت و کاربری	فرصت‌های گوناگون برای شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی در سطوح مختلف (لنگ، ۱۳۸۳) و توانایی فضای عمومی در ایجاد فعالیت (Gehl, 1996)	اختلاط کاربری (وجود کاربری‌های مورد نیاز محلی و تنوع آنها، وجود کاربری‌های عمومی مثل مسجد و درمانگاه، داروخانه و ... جهت خود اتکایی محیط) سازگاری (عدم مزاحمت ناشی از تعارض بین کاربری‌ها، عدم تداخل میان فعالیت‌های جاری در فضا) امکان سر ریز کاربری فروشگاه‌های محلی در پیاده‌رو
آسایش و راحتی و اجتماع پذیری	محیط‌هایی تأثیر پذیر که حالت گوشه گیری و انزوا را به هم بودن تبدیل کند (آلتمن، ۱۳۸۲) و موجب تسهیل روابط بین مردم شود (Gehl, 1996).	وجود ایمنی (به عنوان نمونه تجمع گاری، موتور و ... در فضاها) و امنیت (رفتارهای ناهنجار در فضا، نورپردازی ضعیف و نقاط کور، امکان دیدن و دیده شدن و ...) در فضاها، وجود امکانات لازم از قبیل مبلمان و کفسازی و کاربری‌های پشتیبان جهت بر پا کردن مناسک و مراسم مذهبی و جشن‌ها (حرکت دسته‌های عزاداری و تجمع شان، درست کردن ندی در خیابان‌ها و کوچه‌ها و مقابل مساجد و ...)، یکپارچگی و ساختار سازمان یافته در فضاها، امکان گذران اوقات فراغت در فضاها، نظافت و پاکیزگی فضاها.
منظر و زیبایی	امکان انتقال اطلاعات، ارزش‌ها، احساس‌ها و رفتارهای مطلوب به واسطه محیط (بحرینی، ۱۳۸۶) و چشم نوازی فضاها.	امکان نصب تصاویر مذهبی و اعتقادی در فضاها، وجود فضاها و عناصر عملکردی مجاور فضاها جهت آدرس دادن، وجود فضاها یا عناصر دارای بار خاطراتی، وجود جداره‌های نماسازی شده، وجود عناصر نرم در فضاها، وجود تابلوهای نامگذاری خیابان و کوچه‌ها ...

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از نوع پیمایشی، توصیفی-تحلیلی است. در بخش نخست، محقق با مطالعه اسنادی و مبانی نظری به کنکاش و شناسایی شاخص‌های کیفیت محیط و سپس استخراج الگوهای رفتاری مطلوب در فضاهای باز عمومی که همان معیارهای سنجش فضاها هستند، پرداخته است. در واقع زمینه بروز رفتارهای مطلوب جاری در این فضاها در دسته‌بندی شاخص‌های موردنظر، معیار سنجش آن‌ها قرار گرفته است. پس از استخراج شاخص‌ها و معیارهای موردنظر، مدل مفهومی سنجش کیفیت فضاهای باز عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی جمع‌بندی و در قالب پرسشنامه طراحی شده است. شیوه ارزش‌گذاری سؤالات پرسشنامه مبتنی بر روش طیف پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. براساس فرمول کوکران ۳۶۸ نفر از جمعیت ۹۰۱۲ نفری محله به عنوان نمونه آماری انتخاب شد که حدود ۶۰ درصد

پاسخگویان را گروه مردان و ما بقی زنان هستند. همچنین از مشاهدات میدانی و تهیه عکس از فضاهای مختلف جهت تکمیل اطلاعات در راستای ارائه پیشنهادات نهایی ساماندهی فضاها استفاده شده است.

تحلیل داده‌ها (تحلیل رگرسیونی)

کلیه تحلیل‌های آماری در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام و برای سنجش روایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضریب با تعداد چهار مورد در شاخص‌های مورد سنجش بیش از ۰/۷۸ بوده که بر این اساس روایی تحقیق مورد پذیرش است. تحلیل‌های آماری در این مطالعه تحلیل رگرسیونی است که برای تحلیل و بررسی ارتباط متقابل بین یک معیار خاص یا متغیر وابسته و دو یا چند پیش-بینی کننده یا متغیر مستقل کاربرد دارد. در این روش متغیرهای مستقل وزن دهی می‌شوند تا به این ترتیب

محدوده مورد مطالعه

محله خط چهار حصار با استقرار در منطقه ۱۱ شهر کرج (شکل ۲) در ناحیه شرقی شهر، از جاده قدیم چالوس به طرف دامنه کوه‌های البرز گسترده شده است (شکل ۳). زمین‌های این محله در گذشته بی استفاده بوده‌اند. توسعه این محله به سال‌های ۶۶ تا ۱۳۸۱ مربوط می‌شود و علت اصلی سکونت، ارزان بودن و تصرفی بودن زمین است (پردازاز، ۱۳۸۸).

سهم نسبی آنها در متغیرهای وابسته برآورد شود. وزن-دهی هر متغیر مستقل به واسطه برآورد تأثیر آن بر متغیر وابسته در صورت ثابت باقی ماندن تأثیر سایر متغیرهای مستقل انجام می‌شود. این ارزش‌های عددی را «وزن رگرسیونی» یا «ضرایب» می‌نامند. بعد از استاندارد کردن این وزن‌ها یا ضرایب و تعیین «ضریب بتا» می‌توان اهمیت نسبی متغیرهای مستقل را با هم مقایسه کرد (Van Poll, 1997).



شکل ۲: موقعیت محله در مناطق شهر کرج (ترسیم از نگارندگان، ۱۴۰۰)



شکل ۳: موقعیت محله در منطقه ۱۱

را در حصار (شکل ۴)، می‌توان در قالب خیابان‌ها، پیاده‌روها و اراضی بایر مجاور آنها و سطح پایین کالبدی-محیطی مورد استفاده ساکنان محله، دسته‌بندی کرد.

همانگونه که در مبانی نظری بدان پرداخته شد، فضاهای باز عمومی در محلات غیر رسمی شهر شامل خیابان، پیاده‌رو، پارک و بازارچه‌های محلی می‌شود. این فضاها



شکل ۴: شناخت تصویری فضاهای باز عمومی محله خط چهار حصار شهر کرج

یافته‌ها

ارزیابی فضاهای باز عمومی محله با شاخص‌های کیفی محیط

شاخص دسترسی، میزان امکانات انجام فعالیت‌ها، وضعیت دسترسی داخلی و خارجی فضاها، وضعیت راحتی و اجتماع‌پذیری فضاهای باز عمومی محله و در نهایت وضعیت منظر به عنوان شاخص‌هایی برای سنجش اولویت‌های ساماندهی در پرسش‌نامه‌ها در نظر گرفته شد و معیارهای سنجش آنها نیز مبنای پرسش‌های طراحی شده در پرسشنامه‌ها قرار گرفتند. هدف

این بود که علاوه بر مشاهدات و برداشت‌ها که در واقع داده‌هایی کیفی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند، شاخص‌هایی که قرار است در طراحی فضاهای باز عمومی مورد استفاده قرار گیرند به نتایج نزدیک به واقعیت و قابل اعتماد بدل شوند تا مبنای برنامه‌ریزی‌ها و اتخاذ تدابیر جهت مداخله‌های کالبدی باشند. به‌طور کلی نتایج ارزیابی سطح رضایت از پایداری فضاهای باز عمومی در هر یک از شاخص‌های سازنده آن در جدول ۴ مشخص شده است.

جدول ۴: بررسی میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت محیط براساس معیارهای سازنده آن مبتنی بر پاسخ‌های اهالی

شاخص‌های کیفیت محیط			میزان رضایت	
زیبایی و منظر	عملکرد و کاربری	آسایش، راحتی و اجتماع‌پذیری	دسترسی	
۷۴	۰	۰	۹	خیلی کم
۲۸۴	۳۳۹	۲۰۶	۶۶	کم
۱۰	۲۹	۱۶۲	۲۸۴	متوسط
۰	۰	۲۹	۹	زیاد
۰	۰	۱۰	۰	خیلی زیاد

همان‌گونه در جدول ۵ آمده، براساس سطح معنی‌داری، میان هر چهار شاخص؛ اجتماع‌پذیری (راحتی و

اما به منظور رتبه‌بندی اولویت ساماندهی شاخص‌های کیفیت محیطی از روش تحلیل رگرسیونی استفاده شد.

اولین عامل مشکل ساز در کیفیت فضاهای باز عمومی است و اولویت اول را در ارتقاء کیفیت محیط را به خود اختصاص می‌دهد.

آسایش)، عملکرد (فعالیت و کاربری)، دسترسی و منظر با کیفیت فضاهای باز عمومی محله رابطه معناداری وجود دارد. براساس جدول، شاخص عملکرد با ضریب $\beta=0/693$ به دلیل عدم مطلوبیت آن، از دیدگاه اهالی

جدول ۵: تحلیل رگرسیونی شاخص‌های کیفیت محیطی در محله حصار

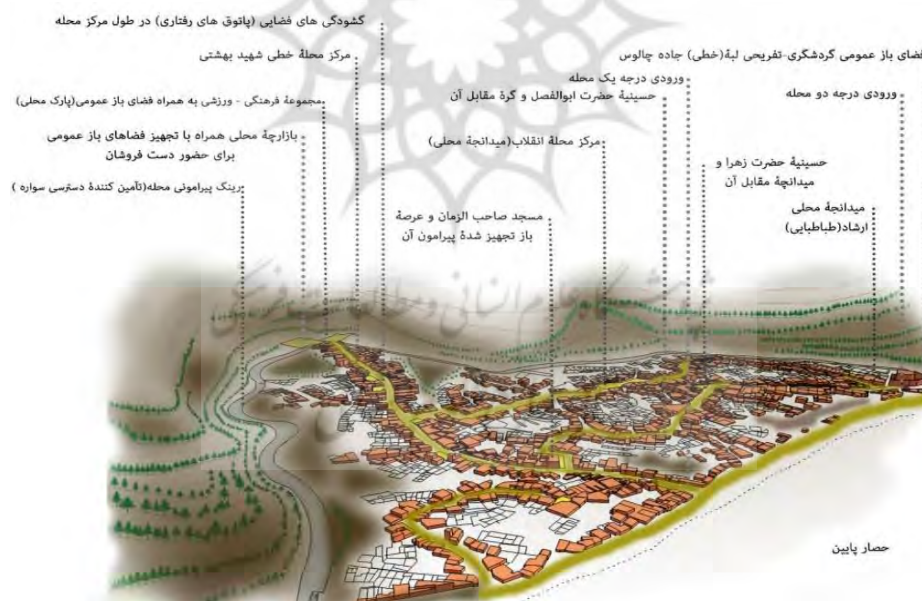
مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		سطح معنی داری
	انحراف معیار	B مقدار	Beta مقدار	t مقدار	
(Constant)	۰/۱۴۱	-۰/۰۵۹۱		-۴/۱۸۱	۰/۰۳۷
دسترسی	۰/۰۲۸	۰/۲۲۹	۰/۲۵۱	۸/۰۹۱	۰/۰۰۸
عملکرد (فعالیت و کاربری)	۰/۰۲۸	۰/۶۴۹	۰/۶۹۳	۲۲/۸۷۷	۰/۰۰۰
اجتماع‌پذیری (راحتی و آسایش)	۰/۰۵۲	۰/۲۳۸	۰/۱۳۸	۴/۵۷۷	۰/۰۴۰
منظر (عینی و ذهنی)	۰/۰۳۲	۰/۱۰۲	۰/۰۹۸	۳/۱۵۹	۰/۰۰۲

خودروها با سرعت در آن تردد می‌کنند. همچنین عدم کنترل شیب در فضاها، فقدان آسایش در حرکت به دلیل ازدحام خودروهای پارک شده، پایین بودن امکان حضور و رویارویی در خیابان‌ها و پیاده‌روها به دلیل شرایط نامساعد کالبدی مسیرها عامل گلایه‌مندی کاربران فضا از وضعیت دسترسی است. اما شاخص بعدی که در اولویت‌بندی لزوم پایداری محیط از دید اهالی رتبه سوم را به خود اختصاص داده، شاخص راحتی، آسایش و اجتماع‌پذیری (با ضریب $\beta=0/251$) است که نشان از ضعف فضاهای عمومی محله در فراهم آوری شرایط مناسب برای شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی دارد. با عطف به این رقم و با اتکا به مشاهدات و مصاحبه‌ها می‌توان علت این امر را در این واقعیت دانست که فضاهای موجود از راحتی و آسایش لازم برای حضور افراد برخوردار نیستند و امکان برگزاری مراسم، مناسک و فعالیت‌های جمعی با محدودیت مواجه است. همچنین عدم وجود امکانات برای بازی کردن بچه‌ها، فقدان فضای بازی و پاتوق کردن برای نوجوانان و جوانان، عدم تجهیز خیابان‌ها و پیاده‌روها جهت بروز رفتارهای اجتماعی گروه‌هایی از جمله زنان و سالمندان، عدم تجهیز خیابان و پیاده‌روها به مبلمان مناسب و کفسای نامناسب آنها، سطح پایین بهداشت محیط و جاری بودن آب‌های سطحی در خیابان‌ها و پیاده‌روها، عدم نورپردازی فضاها در شب و پایین بودن امنیت، عدم

این رقم نشان دهنده این واقعیت است که کاربری‌های مجاور فضاهای باز عمومی به لحاظ تنوع و سازگاری پاسخگوی نیازهای ساکنین محله نبوده است. براساس نتایج فوق و مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام شده با کاربران فضاها، علت این امر عدم پشتیبانی از فضاهای موجود (خیابان و پیاده‌روها) به وسیله کاربری‌های مکمل جهت انجام فعالیت‌هایی در سطوح مختلف است. به عنوان نمونه عدم وجود کاربری‌های مورد نیاز محلی، اهالی را ملزم ساخته که برای تأمین نیازهای روزمره به دیگر محلات شهر مراجعه کنند. همچنین فقدان کاربری‌های خدماتی از جمله درمانگاه، کتابخانه، باشگاه ورزشی و ...، تداخل قلمروی کاربری‌ها مثلاً تجمع کاربری‌های تعمیرگاهی در لبه محله و ناسازگاری آنها با محیط مسکونی، تعطیلی آنها در شب و کور شدن لبه‌های فضاهای باز عمومی و پایین آمدن امنیت در شب از عوامل پایین بودن سطح شاخص کاربری و فعالیت از دیدگاه اهالی است. شاخص دسترسی با ضریب $\beta=0/138$) به عنوان دومین گزینه به لحاظ عدم برخورداری از وضعیت مناسب و اولویت دوم ساماندهی فضاهای باز عمومی محله انتخاب شده است. نتایج نشان می‌دهد که عدم مطلوبیت وضعیت ورود و خروج از خیابان‌های محله یکی از مهم‌ترین عوامل نارضایتی اهالی به خصوص در ورود به خیابان‌های اصلی محله از سمت جاده کمربندی کرج - بیلقان است، چرا که

حصار تأثیر گذار است، برنامه توسعه فضاهای عمومی محله مذکور در قالب تصویر ذیل تدوین شده است؛ آنچه در شکل ۵ منظور شده، تقویت ساختار محله با استفاده از فضاهای باز عمومی ارتباطی یا همان خیابان‌ها و پیاده‌روها که فضاهایی پویا هستند که در ترکیب با فضاهای باز عمومی ایستا و در قالب گره و میدان‌های محلی متبلور شده‌اند. نکته قابل توجه نحوه ترکیب این فضاها در شکل‌دهی استخوان‌بندی کالبدی-عملکردی محله است. در واقع بر مبنای این طرح، شبکه فضاهای باز عمومی محله شامل تعدادی گره محلی و میدانچه-هایی می‌شود که در همجواری بناها و مکان‌های مهم فرهنگی، اقتصادی و نقاط شاخص تجمع اهالی در سطح محله و مسیرهای اتصالی میان آنها است. طرح مذکور به ایجاد شبکه‌ای از فضاهای مرتبط با هم به ساماندهی و انسجام نظم فضایی استخوان‌بندی محله و شبکه‌بندی آن منجر شده است.

کنترل شیب و ایمنی کم، فقدان دسترسی مناسب به کوچه‌ها و تجمع خودروها و پارک کردن آنها در فضاهای باز موجود در محله، وجود گروه‌های خرابکار و تجمع عوامل توزیع کننده مواد مخدر در لبه‌های جنوبی محله و پایین بودن امنیت از جمله علل این نارضایتی است. در نهایت گزینه منظر با ضریب $(\beta=0/098)$ عاملی است که وضعیت نامطلوب آن به واسطه نا به سامانی سیمای جداره‌های فضاهای عمومی، فقدان پوشش گیاهی مناسب و عناصر نرم، عدم جذابیت و دلنوازی بصری فضاها، عدم پاکیزگی فضاها، فقدان غنای حسی و خوانا نبودن فضاها عامل گلایه‌مندی ساکنان از فضاهای باز عمومی محله شده است. در مجموع با تکیه بر شناخت محدوده مورد نظر به‌طور عام و شناسایی ساختار فضاهای عمومی آن به‌طور خاص و براساس پیشنهادات ارایه شده که نتیجه جمع‌بندی نظرات کاربران فضاها در کنار محدودیت‌های است که براساس سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری بر فرآیند توسعه کالبدی محله



شکل ۵: مدل سه بعدی شبکه فضاهای باز عمومی محرک توسعه در سازمان فضایی محله

حاضر به زندگی در شهرها می‌شدند (بدون در نظر گرفتن جمعیت بی سرپناه شهری که به دلیل مشکلات اقتصادی در طول زمان به این بافت‌های شهری روی می‌برند)؟ از مهم‌ترین دلایلی که این گروه زندگی در

بحث و نتیجه‌گیری

اگر زندگی در شهر حداقل امتیازاتی را نسبت به زندگی در روستا نداشت، آیا آن زمان هم، چنین جمعیتی که امروزه در سکونتگاه‌های غیر رسمی ساکن هستند،

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در پی داشته باشد که در شرایط متراکم و پر تنش این محلات، عاملی کلیدی در حل مشکلات شود؛ چرا که اگر این فضاها در بافت‌های مذکور نباشند، فرسوده باشند و یا مولفه‌های پایداری آنها دچار نقصان شوند به مرور زمان این پدیده آثار نامطلوبی را برای بافت پیرامونی و ساکنان آن خواهد داشت. لذا توجه به تأمین کیفیت‌های برتر فضاهای عمومی مبتنی بر نیاز سنجی و ترجیحات کاربران فضا امر مهمی است که متخصصان نباید از آن غافل شوند. بررسی‌ها نشان داد که شاخص‌های "راحتی، آسایش و قابلیت اجتماع‌پذیری"، "قابلیت دسترسی درونی و بیرونی فضاها"، "زیبایی و منظر فضاها" و "قابلیت انجام فعالیت‌ها" مواردی هستند که باید نقطه تمرکز برنامه‌های پایداری فضاهای عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی و محلات کم درآمد شهری را به خود اختصاص دهند. همچنین نتایج نشان داد که در نمونه عملیاتی تحقیق، افزایش قابلیت انجام فعالیت‌ها، افزایش میزان دسترسی‌های درونی و بیرونی فضاها، افزایش توانایی اجتماع‌پذیری فضاها و در نهایت ارتقاء زیبایی و کیفیت منظر فضاهای باز عمومی محله حصار بالا، به ترتیب اولویت‌های ساماندهی فضاهای باز عمومی محله از منظر کاربران آن است و این موارد در پروسه برنامه‌ریزی بازآفرینی محله حصار نباید از دید برنامه‌ریزان و مدیریت شهری دور بمانند. در راستای پاسخگویی به اولویت‌های ذکر شده، می‌توان راهکارهایی را برای انجام اقدام‌های آتی ساماندهی فضاهای باز عمومی محله حصار بالا ارائه داد. در بخش عملکرد و کاربری اقدامات ساماندهی به قرار زیر پیشنهاد می‌شود:

- ایجاد اختلاط و مطلوبیت در کاربری‌ها از طریق: تزریق کاربری‌های خدماتی محلی (درمانگاه، داروخانه و ...) در لبه خیابان‌ها و میدان‌های موجود؛ تعریض پیاده‌روها جهت عرضه کالاهای خرده‌فروشی‌های محلی؛
- ایجاد سازگاری عملکردی از طریق: حذف و انتقال کاربری‌های ناسازگار با شأن محیط مسکونی (کارگاه و صافکاری و ...) و جایگزینی با خدمات و کاربری‌های مورد نیاز؛ ایجاد تنوع در جایگزینی کاربری‌ها (مسکونی، تجاری، خدماتی فرهنگی - تفریحی محلی، فضای سبز)؛

شهر را به زندگی در روستا ارجحیت می‌دهد، عبارت است از برتری‌هایی نظیر دسترسی به خدمات و تسهیلات، تحرک، زمینه اشتغال و شاید از همه مهم‌تر زندگی اجتماعی. کیفیت زندگی در شهرهای معاصر دیگر تنها به فراهم‌آوری غذا، آب، مسکن و ... خلاصه نمی‌شود، بلکه امکان شکل‌گیری تعاملات پایدار اجتماعی-اقتصادی اساس زندگی در شهرهای امروز را تشکیل می‌دهد. در این راستا هدف اصلی طراحی و برنامه‌ریزی شهری خوب در بافت‌های شهری مذکور باید خلق کیفیت‌ها و امتیازها و یا ارتقاء آنها باشد تا بدین وسیله سبب تقلیل و یا حذف تنگناهای موجود در آنها شوند. طراحی شهری باید در حیطه اختیارات (عرصه-های عمومی شهر) پاسخگوی نیازها و خواسته‌های شهروندان باشد. در طراحی شهری امروز از عرصه‌های عمومی، ویژگی‌های آنها و تجربه فضای عمومی سخن-های زیادی به میان می‌آید، اما این فضاها در بافت‌های مختلف شهری لزوماً عملکردهای کاملاً مشابهی ندارند که بتوان با تکیه بر ویژگی‌های عام، به منظور بازآفرینی آنها دستورالعمل‌های کاملاً مشابهی را ارائه داد. به عنوان نمونه فضاهای عمومی در سکونتگاه‌های غیر رسمی چنان طیف متنوع و گسترده‌ای از تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهند که کمتر می‌توان شبیه این رفتارها را در دیگر بافت‌های مسکونی شهرها مشاهده کرد. فضاهای باز عمومی در محلات پر ازدحام و ناکارآمد غیر رسمی این شانس را به مردم می‌دهند که در اوج تنش‌ها و تنگناهای محیط زندگی با گروه‌های دیگر معاشرت کنند، از انزوا خارج شوند و به شهر پیوند بخورند. بیشترین حجم تماس‌ها و تعاملات اجتماعی در این محلات شهری در فضاهای باز عمومی که خیابان، میدانچه، پیاده‌رو، بازارچه و فضاهای سبز شبه پارک را شامل می‌شود، بروز می‌کند. به دنبال آشکار شدن نقش و اهمیت این فضاها در ساختار محلات، در سال‌های اخیر موضوع پایداری و بهره‌برداری از آنها در دستور کار برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است. برنامه‌ریزی جهت انجام مداخلات صحیح در فضاهای باز عمومی سکونتگاه‌های غیر رسمی می‌تواند سطوحی از تقابل و تعاملات

عوامل پخش توزیع مواد مخدر در ارتباط با ساماندهی دسترسی پیشنهاد می‌شود؛

- تقویت ایمنی محیط توسط؛ آرام سازی حرکت سواره در لبه جاده چالوس و ایمنی حضور پیاده در ورودی‌های محله؛ ارائه پارکینگ در اراضی فاقد کاربری موجود در محله برای پلاک‌هایی که امکان دسترسی سواره به آنها ممکن نیست و یا فضای پارک خودرو ندارند؛ ساماندهی کف و دستگیره‌های مسیرهای پیاده برای قشر آسیب-پذیر در مقابل اختلاف سطح موجود؛ تعریض معابر و ایجاد رمپ و پله جهت کنترل شیب؛ ساماندهی ایستگاه تاکسی و اتوبوس در لبه محله از سمت جاده چالوس صورت گیرد. در ارتباط با ساماندهی منظر فضاهای موجود توصیه می‌شود؛

- ساماندهی منظر عینی (زیبایی) فضاهای باز موجود از طریق؛ ساماندهی جوی‌ها و آب‌های سطحی و نصب زباله‌دان در فضاها، ۲- به کارگیری مبلمان متنوع؛ تعریف بصری جداره‌های ساختمان‌های محصور کننده فضاهای باز عمومی؛ منظم کردن اجزاء سازنده کالبد از طریق آسفالت کردن معابر و کفسازی پیاده‌روها و فضاهای ایستا.

- ساماندهی منظر ذهنی با استفاده از؛ تعریف و تجهیز ورودی‌های خیابان‌های اصلی و دروازه‌های بصری اصلی محله، تقویت عناصر دارای هویت (درختان قدیمی) در فضاهای باز عمومی، رنگ‌آمیزی جداره‌های فضای باز و دیوار حائل جنوبی محله، نامگذاری و نصب تابلوهای کوچه و خیابان‌ها و تقویت عناصر نشانه‌ای مجاور فضاها مانند کاربری‌های خاص از جمله مساجد و حسینیه‌ها.

تعریض پیاده‌روها و کفسازی خیابان‌ها جهت افزایش قابلیت حضور و بالا رفتن امکان انجام فعالیت‌های روزمره و حرکت؛ ایجاد فضاهای چندعملکردی مجهز به مبلمان و غرفه موقت برای ارائه صنایع دستی بانوان و جوانان در فضاهای بایر لبه شمالی محله که پتانسیل گردشگری دارد. در بخش اجتماع پذیری و آسایش فضاها توصیه می‌شود:

- تقویت آسایش و راحتی در پاتوق‌های رفتاری به واسطه: تزریق کاربری خدماتی- فرهنگی پشتیبان در لبه فضاهای باز عمومی؛ ایجاد فضاهای مسقف جهت نشستن و گپ زدن در اراضی بایر موجود در محله؛ تجهیز فضاها به مبلمان مناسب برای گروه‌های سنی مختلف و ایجاد آسایش اقلیمی از طریق کنترل معضلات زیست محیطی؛ حذف تنش از کف و جداره فضاها و تقویت محصولات جانبی حرکت ۵- ایجاد فضاهای بازی برای کودکان و جلوگیری از تداخل قلمروهای فعالیت-های اجتماعی مانند سالمندان و کودکان.

- کاهش زمینه‌های آسیب‌پذیری اجتماعی در فضاها از طریق؛ ساماندهی جداره‌های کور و تقویت سیمای شب به واسطه نور پردازی؛ تزریق کاربری‌های دیرپا در لبه فضاهای باز عمومی و فعالیت‌های شبانه و افزایش حضور مردم در شب؛ ساماندهی اراضی بی تکلیف و بایر در محله؛ افزایش نفوذ بصری در جداره همکف؛ ارتقاء امنیت فضاها با تأکید بر حذف رفتارهای مخرب اجتماعی و پاکسازی پهنه‌های جنوبی محله از گروه‌های خرابکار و

منابع

- پورا احمد، ا.، حبیبی، ک. و کشاورز، م.، ۱۳۸۹. سیر تحول مفهوم بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی: ۱، ۷۳-۹۲.

(<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=118469>)

- جوهری، ف. و رنجبر، ا.، ۱۳۸۹. ارزیابی طرح‌های تفصیلی در بافت‌های فرسوده با توجه به معیارهای کیفی کالبدی و عملکردی مورد مطالعه: شهر یزد، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهسازی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی، فرسوده

- آلمن، ا.، ۱۳۸۲. محیط و رفتار اجتماعی، علی نمازیان، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۳۰۰.

(<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2432677>)

- بنتلی، ا.، ۱۳۸۲. محیط‌های پاسخده، مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۴۳۹.

(<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/686513>)

- پاکزاد، ج.، ۱۳۸۵. مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت راه و شهرسازی، چاپاول، ۲۳۴.

(<https://www.gisoom.com/book/11249896/>)

- (<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=158266>)
 -کارمونا، م.، تیم هیت، ت. و تیزدل، ا.، ۱۳۸۸. مکان‌های عمومی و فضاهای شهری، ترجمه دکتر فریباقرائی و همکاران، انتشارات دانشگاه هنرتهران، تهران، ۶۲۲.
 -گلکار، ک.، ۱۳۸۰. مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری، نشریه صفا: ۱۱(۳۲)، ۳۷-۶۵.
 (<http://www.memarnet.com/sites/default/files/pdf/tarahi-shahri.pdf>)
 -واتسون، د. و ج.، پلاس، ا. و جی شیبلی، ر.، ۱۳۸۹. مجموعه استانداردهای طراحی شهری، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی، وزارت مسکن و شهرسازی مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران، ۳۶۰.
 (<https://www.mrud.ir/books/ID/17/>)
- شهری و سکونتگاه‌های غیر رسمی، جلد دوم، انتشارات شرکت بازآفرینی شهری ایران، تهران.
 -دانشپور، س. و چرخ چیان، م.، ۱۳۸۶. فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر: ۴(۷)، ۱۹-۲۸.
 (http://www.bagh-sj.com/article_64.html)
 -رفیعیان، م. و خدایی، ز.، ۱۳۸۹. شهروندان و فضاهای عمومی شهری: نگرش تحلیلی؛ بررسی شاخص‌ها و معیارهای موثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
 (<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=118041>)
 -علی پور، ر.، خادمی، م.، سنماری، م. و رفیعیان، م.، ۱۳۹۱. بررسی شاخص‌های کیفیت محیطی در شناسایی اولویت‌های مداخله در محدوده بافت فرسوده شهر بندر لنگه، تهران، نشریه باغ نظر، ۹(۲۰)، ۱۳-۲۱.
- Beardsley, J. and Werthmann, C., 2008. Improving Informal Settlements: Ideas from Latin America. *Harvard Desing Magazine*, (28), 31-35.
 (<https://www.researchgate.net/signup.SignUp.html>)
 -Beza, B. and Hernández-Garcia, J., 2014. "Informal settlements and Placemaking: The case of Caracoli barrio in Bogota". 7th international urban design conference designing productive cities, AUSTRAL. IA. 4-17.
 (<https://dro.deakin.edu.au/view/DU:30069992>)
 -CABE and DETER., 2001. the value of urban design, London, Thomas Telford.
 (https://www.designcouncil.org.uk/sites/default/files/asset/document/the-value-of-urban-design_0.pdf)
 -Carmona, M., 2019. Place value: place quality and its impact on health, social, economic and environmental outcomes, *Journal of Urban Design*, 24(1), 1-48. (DOI: 10.1080/13574809.2018.1472523).
 -Gehl, J., 1987. *Life Between Buildings, Using Public Space*. New York, Van Nostrand Reinhold. (<https://www.amazon.com/Life-Between-Buildings-Using-Public/dp/1597268275>)
 -Hernández-Garcia, J., 2013. *Public Space in Informal Settlements: The Barrios of Bogotá*, Cambridge Scholars Publishing.
 (<https://www.amazon.com/Public-Space-Informal-Settlements-Barrios/dp/1443851280>)
 -Hernández-Garcia, J., 2010. *Production and Consumption of Open Spaces in Popular Settlements in Bogotá*, Phd thesis, University of Newcastle upon Tyne.
 (<https://ethos.bl.uk/OrderDetails.do?uin=uk.bl.etnos.531771>)
 -Kamalipour, H. and Dovey, K., 2020. Incremental production of urban space: a typology of informal design. *Habitat International*, 98, article number: 102133. (10.1016/j.habitatint.2020.102133)
 -Peimani, N. and Kamalipour, H., 2020. Access and forms of urbanity in public space: Transit urban design beyond the global north. *Sustainability* 12(8), article number: 3495. (10.3390/su12083495)
 -Hou, J., 2012. *Insurgent Public Space, Guerrilla urbanism and the remaking of contemporary cities*, Taylor & Francis e-Library, London.
 (https://www.researchgate.net/publication/338251762_Insurgent_Public_Space_Guerrilla_Urbanism_and_the_Remaking_of_Contemporary_Cities)
 -Rokhsaneh, R., 2020. Regeneration as a Tool for Enhancing Vitality of Urban Spaces, *Civil Engineering and Architecture*, 8(5), 908-915. DOI: 10.13189/cea.2020.080518
 -Madanipour, A., 1999. Why are the Design and Development of Public Spaces Significant for Cities? *Environment and Planning B: Planning and Design*, 879-891.
 (<https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.951.7631&rep=rep1&type=pdf>)
 -Madden, K. and Andrew, S., 2000. *How to Turn a Place Around: A Handbook for Creating Successful Public Spaces*. New York: Project

- for Public Spaces. Print. (<https://www.amazon.com/Place-Around-Project-Public-Spaces/dp/0970632401>)
- Martins, M. and Santos, P., 2019 Urban regeneration in the Brazilian urban policy agenda. *European Planning Studies*, 27(6), 1129-1145.
- UN-HABITAT, 2014. Streets as Tools for Urban Transformation in Slums, UN-HABITAT - EarthscanPublicationsLtd. (https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Housing/InformalSettlements/UNHABITAT_StreetsasToolsforUrbanTransformationinSlums.pdf)
- PPS & UN-HABITAT, 2012. Placemaking and the Future of Cities. UN-HABITAT - Earthscan Publications Ltd. (https://uploads-ssl.webflow.com/5810e16f876cec6bcbd86e59f1fb530aad1d00010a6186_PPS-Placemaking-and-the-Future-of-Cities.pdf)
- Punter, J. and Carmona, M., 1997. *The Design Dimension of Planning: Theory. London : content and best practice of Design Policies.* (<https://www.routledge.com/The-Design-Dimension-of-Planning-Theory-content-and-best-practice-for/Carmona-Punter/p/book/9780415512282>)
- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., 2003. Urban environmental quality and human well-being towards a conceptual framework and demarcation of concepts: A literature study; *J. Landscape and Urban Planning*: 65, 5-18. (<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0169204602002323>)
- Villalba, O. and Garcia, C., 2014. Shaping informality. The role of street-based strategies in revitalizing informal and low-income areas, 7th international urban design conference designing productive cities, AUSTRALIA, 18-34. (https://www.academia.edu/8935826/Shaping_informality_The_role_of_street_based_strategies_in_revitalizing_informal_and_low_income_areas)
- Zhou, Z., 2014. Towards collaborative approach? Investigating the regeneration of urban village in Guangzhou, China. *Habitat International*, 44, 297-305. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2014.07.011>.

